

## ساختمان فعل در گویش تاتی خلخال

دکتر جهان دوست سبزعلیپور\*

### چکیده

گویش تاتی یکی از گویشهای شمال غرب ایران است و در نقاط مختلفی از ایران و خارج از آن رواج دارد. در این گویش بسیاری از ویژگیهای کهن زبانی حفظ شده است. با توجه به ارتباط تاتی با زبان قدیم آذربایجان، شایسته است توجه بیشتری بدان معطوف شود، زیرا متأسفانه، چنانکه شاید، بررسی علمی و دقیقی در مورد آن صورت نگرفته است. گویش تاتی به طور کلی به دو دسته شمالی و جنوبی تقسیم می‌شود. ساختمان فعل تاتی در این مقاله بر مبنای گونه دروی (dərav-i) از بخش شاهرود خلخال است. در بررسی ساخت فعل این گویش به ریشه، ماده (ماده مضارع، ماده ماضی، ماده مجهول، ماده سببی، و ماده جعلی)، فعل لازم و معلوم، وندهای مختلف فعل، زمان فعل، فعل امر، تغییرات آوایی ریشه و ماده، مصدر، صفت مفعولی، و فعلهای معین و شبه معین پرداخته شده است. در قسمتهایی از مقاله، هر جا که لازم بوده، بحث نحوی نیز به میان آمده است. حفظ وجه تمنایی در چند ساخت جداگانه، استفاده از دو ماضی نقلی غیرمحقق، بنای ماضی استمراری بر ماده مضارع، استفاده از وند نفی -ma، استفاده از ۱۶ ساخت برای بیان زمانهای مختلف ماضی و مضارع، گردش مصوت، ساخت ارکتیو، ماده مجهول، و جز آن از ویژگیهای فعل تاتی است. این گویش ساخت ویژه‌ای برای بیان آینده ندارد و، در عوض، مضارع اخباری برای بیان آینده به کار می‌رود. تعدادی از ویژگیهای کهن این گویش رو به فراموشی است و این در حالی است که بسیاری از گونه‌های تاتی خلخال حتی جمع‌آوری و توصیف نشده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** گویش تاتی، ساخت فعل، تاتی خلخال، ماده فعل، زمان فعل

\* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی رشت

## ۱ مقدمه

گویش تاتی، یکی از گویشهای شمال غرب ایران، در نقاط مختلفی از ایران و بیرون از آن رواج دارد. این گویش — که بسیاری از ویژگیهای کهن زبانی<sup>۱</sup> از جمله ساخت ارگتیو، تمایز دستوری جنس مؤنث، گردش مصوت، ماده مجهول، و جز آن در آن حفظ شده — چنانکه باید دقیق و علمی بررسی نشده است. گویشهای تاتی به دو دسته تاتی شمالی و تاتی جنوبی تقسیم می‌شود.

## الف) تاتی شمالی

تاتی شمالی در خارج از ایران در داغستان (در بند)، منتهی‌الیه شمال شرق جمهوری آذربایجان در قفقاز، در شبه جزیره آپشرون، باکو، سوراخانی، و مناطقی دیگر رواج دارد و به چند دسته تقسیم می‌شود: ۱. تاتهای مسلمان؛ ۲. تاتهای کلیمی (که خود را «داغ جوودی» (یهودی کوهستانی) می‌نامند و اغلب در داغستان زندگی می‌کنند)؛ ۳. تاتهای مسیحی ارمنستان و شمال شرق آذربایجان: دیویچی، لایخ، و شبه جزیره آپشرون در شرق باکو (اشمیت، ۱۳۸۳: ۴۸۹).

## ب) تاتی جنوبی

تاتی جنوبی<sup>۲</sup> در نواحی مختلفی در ایران رواج دارد: ۱. مناطقی در جنوب غرب قزوین (Yarshater, 1969: 17-18)؛ ۲. اشتهارد کرج (همانجا)؛ ۳. دو بخش شاهرود و خورش رستم خلخال؛ ۴. طارم علیا و خویین، در ۶۰ کیلومتری جنوب غرب استان زنجان (همان: ۱۷)؛ ۵. هرزند، دیزمار، کرینگان، کلیبر، و مناطقی دیگر در آذربایجان شرقی (اصغری، ۱۳۸۵: ۵)؛ ۶. شمال خراسان، جلگه شوغان و منطقه ۱۴ سنخواست (صفرزاده، ۱۳۸۲: ۲۳)؛ ۷. بخشهای جیرنده و فاراب رودبار (سبزه‌علیپور، ۱۳۸۸: ۱۹).

در این مقاله، بررسی ساختمان فعل تاتی بر مبنای گونه دروی (dərav-i) از بخش شاهرود خلخال است. در حال حاضر، در این روستا (در ۲۵ کیلومتری جنوب غرب خلخال) ۲۰۲ خانوار و جمعاً ۵۶۷ نفر زندگی می‌کنند (وبگاه ملی آمار به نشانی <http://www.amar.org.ir>). نگارنده خود از گویشوران گونه دروی است و بخشی از مواد زبانی این تحقیق از پایان‌نامه دکتر وی است (رک. منابع).

۱. تمایز دستوری جنس مؤنث در گونه دروی وجود ندارد، اما در گونه‌های یردی، گجلی، کرنقی، و کرنی این تمایز حفظ شده است.

۲. معتبرترین تحقیق در زمینه تاتی جنوبی از یارشاطر (1969) با عنوان *A Grammar of Southern Tati Dialects* است.

## ۲ پیشینه تحقیق

در مقاله یارشاطر (1959) ویژگیهای بسیار کلی تاتی خلخال بر مبنای گونه کلوری و شالی آمده است. او در مقاله دیگری (1960) به ذکر نکاتی در باب ساخت فعل تاتی کجلی پرداخته است. ماری آرادگلی (۱۳۴۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی به بررسی واج‌شناسی گونه کجل پرداخته است. یحیی‌زاده در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود (۱۳۸۲) نکات مفیدی درباره تاتی کلوری آورده است. رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور در مقاله‌ای (۱۳۸۷الف) به ذکر ویژگیهای ساخت مورد نظر در آن گویش پرداخته‌اند. سبزعلیپور (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه دکتری، به بررسی تطبیقی ساخت فعل سه گویش تاتی، تالشی، و گیلکی پرداخته است. رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور (۱۳۸۷ب) ماده فعل تاتی را در کنار دو گویش دیگر بررسی کرده‌اند. معراجی لرد (۱۳۸۷) واژه‌های تاتی خلخال را بر مبنای گونه لردی (lærd-i) جمع‌آوری کرده است.

## ۳ ریشه فعل

ریشه<sup>۱</sup> افعال در تاتی در مواردی که بتوان شناسایی‌اش کرد دو صورت دارد: ضعیف و قوی. ریشه ضعیف صورتی از ریشه است که /-â-/ ندارد و ریشه قوی صورتی است که /-â-/ دارد. از ریشه قوی غالباً برای ساخت فعلهای سببی و از ریشه ضعیف برای فعلهای مجهول و لازم و مواقعی هم برای ساخت فعل واداری استفاده می‌شود. نمونه‌هایی از ریشه ضعیف و قوی تاتی چنین است:

ریشه قوی		ریشه ضعیف	
gârd-ən-əs-en	گرداندن	gard-əs-en	گشتن
târs-ən-əs-en	ترساندن	tars-əs-en	ترسیدن
vaš-ən-əs-en	روشن کردن	vaš-əs-en	روشن بودن

چند نمونه از افعال سببی، لازم، و مجهول نیز به این شرح است: gard-ə (می‌چرخد)، gârd-ân-isa (چرخانده شده است)، čar-ə (می‌چرد) و čâr-nisa (چرانیده شده است).

۱. هرگونه اظهار نظر درباره ریشه فعل تاتی در این مقاله بر اساس تعداد ریشه‌های موجود و شناخته در تاتی است. برای تعریف ریشه رک، ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۶.

## ۴ ماده فعل

در گویش تاتی ماده مضارع، ماده ماضی، ماده مجهول، ماده جعلی، و ماده سببی (واداری) وجود دارد. در فعلهای تاتی، ماده فعل با افزودن جزئی به ریشه ساخته می‌شود (رضایتی کیشه‌خاله، سبزعلیپور، ۱۳۸۷ ب).

## ۴-۱ ماده مضارع

ماده مضارع جزء ثابت فعل در ساختهای مضارع اخباری، مضارع التزامی، مضارع تمنایی<sup>۱</sup>، ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، ماضی مستمر، مضارع مستمر، امر، و صفت فاعلی است؛ تنها نشانه ویژه ماده مضارع در گویش تاتی /-n-/ و در چند مورد نادر /-nj-/ است. چند نمونه عبارت است از: sun/su<sup>۲</sup> از مصدر su-en (ساییدن)، kærn/kæri از مصدر kær-en (کشیدن روی زمین)، pe-vsənj/pe-vsəs از مصدر pe-vsəs-en (گسستن)، da-škənj/da-škəs از مصدر da-škəs-en (شکستن در چیزی).

## ۴-۲ ماده ماضی

ماده ماضی جزء ثابت فعل در ساختهای ماضی (به استثنای ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، و ماضی مستمر)، صفت مفعولی، و مصدر است. ماده ماضی در تاتی از ریشه فعل — که در اغلب موارد همان ماده مضارع است — به اضافه پسوندهای ماضی ساز -d، -t، -i، -ø، -(əs/ss/s)t به دست می‌آید. ساخت اصلی ماده ماضی با پسوند -t و -d (باقیمانده از پسوند صفت مفعولی /-ta/\*- ایرانی باستان است (رک. رضایی باغبیدی، ۱۳۸۵: ۱۱۴) و ساختهای دیگر که امروز بیشتر به کار می‌رود ثانوی به نظر می‌رسند.

شکل اصلی ماده‌های ماضی در تاتی از پیوستن /-t/ و /-d/ به آخر ریشه یا ماده‌های مضارع ساخته می‌شود و پیوستن این نشانه‌ها اغلب تغییرات آوایی ریشه یا ماده مضارع را در پی دارد. علاوه بر این نوع ساخت، شکل‌های دیگری نیز از ماده‌های ماضی در تاتی وجود دارد که امروزه کاربرد بیشتری پیدا کرده‌اند. این ماده‌ها، در حقیقت، شکل ثانوی یا ماده جعلی محسوب می‌شوند.

ماده‌های ماضی تاتی را به دو نوع اصلی و جعلی می‌توان تقسیم کرد. ماده ماضی اصلی که امروزه اغلب با ماده مضارع هم‌ریشه خود رابطه قیاسی استواری ندارد و ماده ماضی جعلی که

1. optative

۲. در این مورد و هر جای دیگر این مقاله، ماده سمت راست علامت ممیز ( / ) ماده ماضی و دیگری ماده مضارع است.

دو نشانه عمده دارد: /-i/ و /-st/. نشانه دوم (-st) در تاتی، علاوه بر آنکه کاربرد بیشتری دارد، بین ریشه یا ماده مضارع و افزونه ماده‌ساز قرار می‌گیرد. در اینجا از ماده‌های ماضی اصلی (مختوم به -t/-d) نمونه‌هایی آورده می‌شود.

**الف) ماده‌های ماضی مختوم به /-t/:** این نوع از ماده‌ها در دروی اندک‌اند، اما در تاتی کجلی<sup>۱</sup> تعداد آنها زیاد است: *nəš-/nəšt-* از مصدر *nəšt-en* (نشستن)، *kəš-/kəšt-* از مصدر *kəšt-en* (ساییدن).

**ب) ماده‌های ماضی مختوم به /-d/:** *bar/bard-* از مصدر *bard-en* (بردن)، *kar/kard-* از مصدر *kard-en* (کردن).

گرچه رابطه دستوری بیشتر ماده‌های ماضی اصلی با ماده‌های مضارع هم‌ریشه آنها ظاهراً از هم گسسته می‌نماید، باز، بین این ماده‌ها نوعی رابطه برقرار است و از این نظر می‌توان آنها را به این صورتها طبقه‌بندی کرد: (۱) با افزودن نشانه ماضی‌ساز /-t/-d/ به ماده مضارع، صامت آخر این ماده حذف می‌شود. در این صورت، ماده مضارع اغلب مختوم به /-j/ است: *â-muj-/â-mut-* از مصدر *â-mut-en* (آموختن)، *duj-/dut-* از مصدر *dut-en* (دوختن)، *məj-/mət-* از مصدر *mət-en* (قدم زدن)، *pej-/pat-* از مصدر *pat-en* (پختن). (۲) با افزودن نشانه ماضی‌ساز /-t/-d/ به ماده مضارع، صامت آخر و در مواردی دو صامت آخر ماده مضارع دچار تغییرات آوایی می‌شوند: *xəruš-/xərut-* از مصدر *xərut-en* (فروختن)، *bâz-/bâxt-* از مصدر *bâxt-en* (باختن)، *dâr-/dâšt-* از مصدر *dâšt-en* (داشتن)، *harz-/hašt-* از مصدر *hašt-en* (اجازه دادن)، *diyas-/diyašt-* از مصدر *diyašt-en* (نگریستن).

در تاتی، علاوه بر ماده‌های ماضی اصلی، ماده‌های جعلی نیز وجود دارند که با افزودن نشانه‌هایی به آخر ماده مضارع و برخی اسمها و صفتها ساخته می‌شوند.<sup>۲</sup> این نشانه‌ها عبارت‌اند از *-əs* (و گونه‌های *-s* و *-ss*) و *-i* که چند مثال از آنها در پی می‌آید: *tərak-/tərakəs-* از مصدر *tərak-əs-en* (ترکیدن)، *ku-/kuss-* از مصدر *kuss-en* (کوبیدن)، *bey-/beys-* از مصدر *beys-en* (فروختن)، *bər-/bəri-* از مصدر *bəri-en* (بریدن).

۱. کجلی (*kajali*) گونه‌ای از تاتی خلخال است که در روستای کجل از توابع هشتمین خلخال رایج است و نگارنده در پایان‌نامه دکتری خود (سبزیپور، ۱۳۸۸) به ساخت فعل آن گونه در کنار دیگر گونه‌ها پرداخته است، و یارشاطر نیز این گونه را توصیف کرده است (Yarshater, 1960).

۲. سابقه استفاده از نشانه ماضی‌ساز /-əst/ به دوره میانه زبانهای ایرانی گروه غربی می‌رسد (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۱۷). این نشانه در آثار اولیه فارسی دری به صورت *-est* (ست) در ساختمان برخی از فعلها دیده می‌شود و در مواردی محدود به زبان فارسی امروز نیز رسیده است. مانند توانستن، زیستن، گریستن، و جز آن. اما این نوع فعلها در فارسی دری زبایی چندانی ندارد و احتمالاً شواهد اندک آن از راه دیگر گویشهای ایرانی به متون فارسی راه یافته است (رک. رضایتی کیشه‌خاله و سبزیپور، ۱۳۸۷: ۱۲۶).

## ۳-۴ ماده مجهول

ماده مجهول جزء ثابت فعلهای مجهول است. ماده مجهول از ماده مضارع به همراه *i-* (در زبان پهلوی: *-ih-*) ساخته می‌شود و برای ساخت مجهول مضارع و بعضی از فعلهای لازم مضارع به کار می‌رود. فعل مجهول ماضی از ماده مجهول به اضافهٔ پسوندهای ماضی‌ساز به دست می‌آید و برای ساخت فعلهای مجهول ماضی و بعضی از فعلهای لازم به کار می‌رود. در تاتی بعضی از فعلهای مجهول ماضی و مضارع معنی لازم نیز می‌دهند:

معنی	مجهول مضارع	معنی	مجهول ماضی
کنده می‌شود.	kan-i	کنده شد.	bə-kan-is
پاره می‌شود.	zar-i	پاره شد.	bə-zar-is
بسته (منجمد) می‌شود.	bey-i	منجمد شد.	bə-bey-is

در ساخت صفت مفعولی نیز از ماده مجهول تاتی استفاده می‌شود، مانند: *vaj-isa* (بافته‌شده، کنده‌شده)، *bər-isa* (بریده‌شده).

## ۴-۴ ماده جعلی

ماده جعلی<sup>۱</sup> در تاتی دو نشانه عمده دارد: */i-/* و */-(ə)s/*. نشانهٔ دوم، که اغلب با اسم همراه است، در تاتی کاربرد گسترده‌تری دارد و بیشتر با واج میانجی *-ə-* همراه است: *fam-əs-en* (فهمیدن) و *jang-əs-en* (جنگیدن).

## ۵-۴ ماده سببی (واداری)

ماده سببی در تاتی با استفاده از وندهای سببی و نوعی گردش مصوت به دست می‌آید. وندهای سببی دو دسته‌اند: *-ân*، *-ən*، *-âvən*. وندهای *-ən* و *-ân* با ریشه قوی و *-âvən* با ریشهٔ ضعیف می‌آید: *larz-əs-en* (لرزیدن)/ *lârz-ân-əs-en* (لرزاندن)، *gard-əs-en* (گشتن)/ *gârd-ân-əs-en* (گرداندن)، *âsrang-əs-en* (دلسرد شدن)/ *âsrang-âvən-əs-en* (دلسرد کردن). *xur-əs-en* (خندیدن)/ *xur-âvən-əs-en* (خنداندن)، و *vašt-en* (پريدن)/ *vâz-ən-əs-en* (پراندن).

۱. ماده جعلی از اسم، صفت، یا حتی حرف اضافه ساخته شده است. مثلاً در پهلوی: *abāg-ēn-ēd* (همراهی می‌کند) از *abāg* (حرف اضافه) به معنای «با» ساخته شده است (آموزگار، تفضلی، ۱۳۸۲: ۸۲).

#### ۴-۶ تغییرات آوایی ریشه، ماده، و وندهای فعل

با اتصال وندهای مختلف به ریشه و ماده فعل، تغییرات آوایی خاصی در فعل صورت می‌گیرد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

**الف)** وقتی وند تصریفی  $b(v)$  به فعل آغاز شده با همخوان  $/v/$  و  $/h/$  می‌پیوندد این دو همخوان از آغاز ماده حذف می‌شوند<sup>۱</sup>، با این تفاوت که همخوان  $/v/$  در نفی و نهی برمی‌گردد ولی دیگری برنمی‌گردد:

معنی	مصدر	ماده مزارع	ماده ماضی	فعل امر مفرد	فعل نهی مفرد
برخاستن	hašt-en	hayz-	hašt-	bayz (* <bə-hayz)	mayz
گفتن	vât-en	vâj-	vât-	bâj (* <bə-vâj)	ma-vâj

**ب)** همخوان  $-r$  از امر مفرد بعضی از فعلهایی که ماده مزارع آنها مختوم به  $-r$  است حذف می‌شود، اما در صیغه جمع فعلهای فوق همخوان  $/-r/$  برمی‌گردد:

معنی	مصدر	ماده مزارع	فعل امر	امر جمع
کردن	kard-en	kar-	bə-ka	bə-kar-a
بیرون آوردن	bar-vârd-en	bar-vâr-	bar-vâ	bar-vâr-a

#### ۵ مصدر

مصدر در تاتی از ریشه یا ماده مزارع به اضافه پسوندهای ماضی‌ساز (رک. بخش ۴-۲) و علامت مصدری  $(-e)n$  به دست می‌آید. گاهی واج میانجی  $[-y]$  بین ماده و وند مصدری ظاهر می‌شود:  $š[iy]-en$  (رفتن)،  $vârd-en$  (آوردن). مصدرهایی نیز هستند که ماده‌شان به واکه ختم می‌شود، اما بدون واج میانجی می‌آیند و از این می‌توان نتیجه گرفت احتمالاً در گذشته واج میانجی در چنین جایگاهی وجود نداشته است، مثل مصدر  $zen$  ماده ماضی  $-za$  (زدن)، مصدر  $nân$ ، ماده ماضی  $nâ$  (گذاشتن). مصدر تاتی از نظر ساختمان به سه دسته تقسیم می‌شود: ساده، پیشوندی، و ترکیبی.

۱. در دیگر گویشهای ایرانی نیز چنین است، مثلاً وند نمود استمرار  $-e$  در گویش ویدری پس از پیش‌فعلها یا پیشوندهای  $u-$  و  $vâ-$  حذف می‌شود (رک. رضایی باغ بی‌دی، ۱۳۸۳: ۲۹).

## ۵-۱ مصدر ساده

مصدرهایی ساده‌اند که از مادهٔ ماضی و علامت مصدری ساخته می‌شوند و عنصر دیگری در ترکیب آنها یافت نمی‌شود. تعداد این مصدرها در تاتی اندک است و تقریباً به دوپست<sup>۱</sup> مصدر ساده می‌رسد: bard-en (بردن)، gat-an (گرفتن)، mard-en (مُردن)، kašt-en (کشتن) و dəziy-en (دزدیدن).

## ۵-۲ مصدر پیشوندی

مصدرهای پیشوندی از مادهٔ ماضی و یک پیشوند فعلی و علامت مصدری ساخته می‌شوند. پیشوندهای فعلی تاتی عبارت‌اند از: -e, -pe, -da, -bar, -ji, و -â. در تاتی دروی بیش از ۴۲۰ فعل پیشوندی وجود دارد. pe-diyašt-en (نگاه کردن به بالا)، bar-kard-en (بیرون کردن)، e-diyašt-en (نگاه کردن به پایین)، â-kard-en (باز کردن)، و da-ši[y]-en (وارد شدن).

## ۵-۳ مصدرهای ترکیبی

مصدرهای ترکیبی در تاتی از ترکیب اسم، صفت، یا قید و با شکل ساده یا پیشوندی مصدرهایی نظیر kard-en (کردن)، (â-)bi-en (بودن/شدن)، za-en (زدن)، gat-en (گرفتن)، و جز آن ساخته می‌شوند: tar kard-en (قهر کردن)، âv â-gat-en (آب کشیدن)، و šal â-bi[y]-en (شل شدن). اگر جزء فعلی فعل مرکب در تاتی متعدی باشد، همانند فعل متعدی صرف می‌شود؛ حتی اگر فعل مرکب در معنا لازم باشد؛ ولی اگر جزء فعلی لازم باشد، قواعد فعل لازم در آن اجرا می‌شود. مثلاً kard-en (کردن) اگرچه متعدی است، tar kard-en (قهر کردن) و daq da-kard-en (دق کردن)، که فعل لازم‌اند، با قواعد متعدی صرف می‌شوند و در ماضی ساخت ارگتیو دارند.

## ۶ صفت مفعولی

صفت مفعولی از ترکیب مادهٔ ماضی همراه پسوند -a ساخته می‌شود: vât-a (گفته)، našt-a (نشسته)، âm-a (آمده)، viyand-a (فرستاده)، و bar-genäs-a (افتاده).

zand-a mâl-ân-əšân bar-kard-a.

دامهای زاییده را بیرون برده‌اند.

vašt-a sæg ča tak-ə gənäs-a.

سنگ غلت خورده به پهلویش خورده است.

۱. نگارنده آمار افعال ساده و پیشوندی را طبق برآورد آماری به دست آورده است.

## ۷ وندهای فعلی

### ۱-۷ وند استمرار *i*- و *kəɾâ*

وند استمرار *i*- همراه افعال ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنیایی، و ماضی مستمر نشانه نمود مستمر است: *vin-i-rân* (می دیدید)، *bin-i-rân* (اگر می دیدید)، *pə-məj-i-nd* (به بالا می رفتند)، *kəɾâ zan-i-š* (داشتی می زدی). وند *kəɾâ* همراه فعلهای ماضی مستمر و مضارع مستمر وند نمود مستمر است: *kəɾâ vij-i-mân* (داشتیم غربال می کردیم)، *kəɾâ-vâr-ənd* (دارند می آورند).

### ۲-۷ وند وجه *bay*-، *bâ*، *â*، و *b(v)*

وند *b(v)*- در آغاز ماضی ساده<sup>۱</sup> وند وجه اخباری است: *bə-nəšt* (نشست)، *bə-gən-əs* (افتاد، برخورد کرد)، (*bə-hard* > *b-ard* (خورد)؛ ولی در اول فعل مضارع التزامی وند وجه التزامی است: *bə-bar-əm* (ببرم)، *bə-sâzə-m* (بسازم)؛ و در آغاز فعل امر وجه امری می سازد: *bə-kan* (بکن)، *ba* (<har) (بخور).

وندهای *bay*-، *bâ*، و *â*- در تاتی وند وجه تمنیایی اند: *bə-nəšt-â-mân* (اگر بنشینیم)، *vind-am bâ* (شاید دیده باشم)، *vinda-m biya bay* (اگر دیده بوده‌ام). وند وجه اخباری، امری، و التزامی *b(v)*- وقتی به کار گرفته می شود که فعل پیشوندی نباشد؛ در صورت پیشوندی بودن فعل، پیشوند به جای آن می آید: *pe-gat-əm* (برداشتتم)، *pe-gir-âm* (بردارم)، *â-zâr-m* (پاره کن).

### ۳-۷ وند تأکیدی

افزونه های *â*- و *e*- در آخر بعضی از فعلهای وجه اخباری و امری و مضارع التزامی تاتی نمودنمای تأکیدند: *zan-m-â* (می زنم‌ها!) *ma-tars-e* (نترسی‌ها!). وند *-ən* نیز در آخر بعضی از فعلهای وجه امری می آید و گاهی القای تأکید می کند: *bə-š-ən* (بروی‌ها!)، *ma-nəš-ən* (ننشینی‌ها!).

### ۴-۷ وند نفی و نهی

وند *m(â)*- برای نفی فعلهای وجه تمنیایی، التزامی، و امری به کار می رود: *xayr ma-vin-â-š* (خیر نبینی)، *harda-r-ma-bu* (نخورده باشی)، *ma-pej* (نپز)، و *ma-vəsənɟ* (قطع و پاره نکن).

۱. این وند در آغاز فعل ماضی ساده تاتی، علاوه بر وند وجه، نشانه ماضی بودن فعل است.

در تاتی وند n(v)- برای نفی مصدر و صفت مفعولی فعلهای وجه اخباری به کار می‌رود: nə-vâj-a (نمی‌گویید)، (>\*nə-harz-əm) n-arz-əm (نمی‌گذارم)، nə-vrit-en (ندویدن)، و nə-kard-a (نکرده). برای ماضی نقلی و ماضی نقلی ابعدهند نفی ni- به کار می‌رود: harda-mân ni (نخورده‌ایم)، nəšta-biya ni-m (نشسته بوده‌ام).

وند نفی در فعلهای پیشوندی بعد از پیشوند می‌آید: da-ma-rânj (نکش)؛ وقتی پیشوند bar- باشد، وند نفی وسط آن می‌آید: ba-nə-r kard-en (بیرون نکردن)، ba-ma-r-an<sup>۱</sup> (نینداز).

## ۵-۷ وند say-

این وند با فعلهای ماضی استمراری، ماضی استمراری تمنایی، ماضی نقلی غیرمحقق، ماضی نقلی بعید غیرمحقق، و ماضی مستمر به کار می‌رود و معنای استمرار و گاهی معنی شرط به فعل می‌افزاید:

استمراری تمنایی (اگر) آنجا می‌نشست، حسن را می‌دید. bənəši-say, hasanə vini say.  
نقلی غیرمحقق می‌نشسته بودم، او [حتماً] مرا می‌دید. nəšta bây say-m, man vini(say).  
ماضی مستمر داشتند می‌آمدند، بام افتاد سرشان.

kə-râ ây-say-nd bân e-gənəs čəmân sarə ku.

(برای کاربرد و معنای دقیق وند say- رک. سبزیعلیپور، همان: ۳۸).

## ۸ شناسه‌های فعل

در تاتی چند دسته شناسه به کار می‌رود: شناسه‌های ماضی برای فعلهای لازم در ساختهای ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی التزامی، ماضی بعید، و ماضی مستمر به کار می‌رود. از شناسه‌های مضارع برای ساختهای مضارع اخباری، مضارع و ماضی التزامی، مضارع مستمر، و وجه امری استفاده می‌شود. شناسه‌های تمنایی برای ساخت فعلهای ماضی تمنایی، ماضی بعید التزامی، و مضارع تمنایی به کار می‌رود. در ساخت افعال ماضی متعدی، به جای شناسه، ضمایر متصل غیرفاعلی به کار می‌رود:

شخص و شمار	شناسه ماضی	شناسه مضارع	شناسه تمنایی <sup>۲</sup>	ضمایر متصل غیرفاعلی
اول شخص مفرد	(i)m-	(ə)m-	-âm	(ə)m-

۱. مصدر barand-en (انداختن) در تاتی مصدری پیشوندی است، ماده مضارعش baran- و ماده ماضی‌اش barand- است.  
۲. در دوره میانه، شناسه فعل تمنایی در پهلوی اشکانی (h)indē- و در فارسی میانه (h)ē- است (رک. ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

-ə)r	-âš	-i	-(i)š	دوم شخص مفرد
-(ə)š	-â	-ə	-(ə/e/ø)	سوم شخص مفرد
-(ə)mân	-âmân	-am	-(i)mân	اول شخص جمع
-(ə)rân	-ârân	-a	-(i)rân	دوم شخص جمع
-(ə)šân	-ând(ə)	-ən(də)	-(i)ndə	سوم شخص جمع

تفاوت شناسه‌های ماضی و شناسه‌های تمنایی در سوم شخص مفرد است.

## ۹ وجه فعل

در تاتی وجه اخباری، امری، التزامی، و تمنایی وجود دارد. فعلهای ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی نقلی ابعده، ماضی بعید، ماضی استمراری، ماضی مستمر، مضارع اخباری و مستمر، و فعلهای پی‌بستی وجه اخباری دارند؛ فعلهای ماضی استمراری تمنایی، ماضی تمنایی، نقلی غیرمحقق، نقلی بعید غیرمحقق، ماضی تمنایی، و مضارع تمنایی وجه تمنایی دارند؛ فعلهای ماضی التزامی و مضارع التزامی وجه التزامی دارند؛ و فعلهای امر و نهی وجه امری دارند.

## ۱۰ نمود فعل

فعل در تاتی دو نمود اصلی (ساده و استمراری) و دو نمود فرعی (آغازی و تأکیدی) دارد. فعلهای ماضی ساده، ماضی نقلی، ماضی نقلی ابعده، ماضی بعید، ماضی تمنایی، ماضی التزامی، نقلی غیرمحقق، بعید نقلی غیرمحقق، ماضی التزامی، مضارع اخباری، مضارع تمنایی، مضارع التزامی، فعل امر و فعل پی‌بستی نمود ساده دارند. ساخته‌های مضارع مستمر، ماضی مستمر، ماضی استمراری، و ماضی استمراری تمنایی نمود مستمر دارند. بعضی از افعال نمود تأکیدی دارند. وند نمود تأکیدی با مثالهایی در بخش وند تأکیدی (بخش ۷-۳) آمده است.

نمود آغازی در این گویش وند خاصی ندارد، اما افعال شبه معین خاصی رایج‌اند که معنای آغازی را به فعل می‌افزایند (رک. فعلهای شبه معین در بخش ۱۶). در دروی از ترکیب ماضی ساده فعل<sup>۱</sup> *pe-gat-en* (برداشتن) با مصدر فعل اصلی ساخت آغازی به دست می‌آید:

*pe-gat-əš dəru-en.*

شروع کرد به درو کردن.

*pe-gat-ə-mân səg e-dâšt-en.*

شروع کردیم به سنگ پراندن.

۱. در تاتی ماده آغازی وجود ندارد، اما این فعلها نشان‌دهنده شروع جریان فعلی‌اند و بدین سبب در اینجا فعل آغازی نامیده شده‌اند.

## ۱۱ فعل متعدی

فعل متعدی در تاتی مضارع همانند فعلهای لازم صرف می‌شود، اما متعدی ماضی ساخت ارگتیو و صرف جداگانه‌ای دارد و طرز ساخت آنها بدین شرح است:

(افزونه -ə) + ضمائر متصل غیرفاعلی + صفت مفعولی / ماده ماضی یا مضارع (-b(v)) →

harda-mân bə.	خورده بودیم.	bə-gat-əmân.	گرفتیم.
za-š.	زده است.	bə-za-r.	زدی.
bə-nâ-m.	گذاشتم.	âdâ-rân.	دادید.

(برای ساخت ارگتیو در تاتی خلخال رک. رضایتی کیشه‌خاله و سبزعلیپور، ۱۳۸۷ الف).

## ۱۲ فعل لازم

فعل لازم در تاتی به دو روش زیر ساخته می‌شود:

**روش ۱:** → (افزونه -ə) شناسه فعل + ماده ماضی یا مضارع (وند وجه و نمود)

**روش ۲:** → (افزونه -ə) فعل کمکی + صفت مفعولی (وند وجه و نمود)

روش دوم ویژه افعالی است که با فعل معین به کار می‌روند، مثل ماضی بعید و نقلی غیرمحقق و بقیه آنها.

nəšta-y-m.	نشسته‌ام.	bə-nəšt-im.	نشستم.
nəšta bə-bum.	نشسته باشم.	nəš-iš.	می‌نشستی.
kərâ nəš-iš.	داشتمی‌نشستی.	nəšta bi-nd-ə.	نشسته بودند.

## ۱۳ زمان فعل

فعلهای تاتی از نظر زمان به دو دسته ماضی و مضارع تقسیم می‌شوند؛ آینده در تاتی ساخت ویژه‌ای ندارد و برای بیان آینده از مضارع اخباری استفاده می‌شود.

### ۱-۱۳ ماضی ساده

ماضی ساده لازم از پیشوند فعلی یا پیشوند وجه با ماده ماضی و شناسه ماضی ساخته می‌شود:

bə-nəšt-imân.	نشستیم.	bə-nəšt-im.	نشستم.
bə-nəštirân.	نشستید.	bə-nəšt-iš.	نشستی.
bə-nəšt-ində.	نشستند.	bə-nəšt.	نشست.

در فعلهای پیشوندی، به جای وند وجه، از پیشوند فعلی استفاده می‌شود و در افعال منفی به جای وند -b(v) از وند نفی -n(v) استفاده می‌شود:

mar i k qor bage ra baleid. مار یک قورباغه را بلعید.  
 avə əştan var[y]ân nə-vârd. او بره‌هایش را نیاورد.

وندهای ضمیری در جملات گسترده‌ارگتیو معمولاً به اولین کلمه می‌پیوندند، با حذف یا جابه‌جایی به ترتیب به کلمه بعد یا کلمه جایگزین می‌پیوندند و هیچ‌گاه حذف نمی‌شوند، مگر آنکه ضمیر منفصل غیرفعلی یا اسم در اول جمله بیاید و، در آن موقع، فعل اصلی جمله صرف نمی‌شود:

hasan-ə**mân** nə-vind. حسن را ندیدیم.  
 ama hasan nə-vind. ما حسن را ندیدیم.

### ۱۳-۲ ماضی نقلی

ماضی نقلی از صفت مفعولی با وند -y همراه شناسه‌های ماضی ساخته می‌شود:

nəšta-y-mân.	نشسته‌ایم.	nəšta-y-m.	نشسته‌ام.
nəšta-y-rân.	نشسته‌اید.	nəšta-y-š.	نشسته‌ای.
nəšta-y-ndə.	نشسته‌اند.	nəšta.	نشسته.

در فعلهای متعدی این ساخت از ضمائر شخصی استفاده می‌شود و وند -y- دیگر ظاهر نمی‌شود؛ وند نفی -ni- در فعل لازم قبل از شناسه و در فعلهای متعدی قبل از ضمائر متصل غیرفعلی می‌آید؛ و اگر این ضمائر قبل از صفت مفعولی ظاهر شوند یا به دلیل ظهور اسم و ضمیر منفصل غیرفعلی در آغاز جمله ظاهر نشوند، وند نفی بلافاصله بعد از صفت مفعولی می‌آید:

tə əštə mâl bar-karda-**ni**. تو دامه‌ایت را بیرون نکرده‌ای.  
 bar-karda-š-**ni**. بیرون نکرده است.  
 halâ raz šiya **ni**-rân. هنوز باغ نرفته‌اید.

### ۱۳-۳ ماضی نقلی ابعده

ماضی نقلی ابعده از گذشته‌ای بسیار دور و از زمانی حکایت می‌کند که معمولاً گوینده خودش آن را ندیده است. این ساخت، علاوه بر معنا، نشان مخصوصی (biya) نیز دارد که می‌توان آن را

شناسایی کرد. این ساخت از صفت مفعولی فعل اصلی و *biya* (صفت مفعولی «بودن») و *y-* با شناسه ماضی ساخته می‌شود:

<i>nəšta biya-y-mân.</i>	نشسته بوده‌ایم.	<i>nəšta biya-y-m.</i>	نشسته بوده‌ام.
<i>nəšta biya-y-rân.</i>	نشسته بوده‌اید.	<i>nəšta biya-y-š.</i>	نشسته بوده‌ای.
<i>nəšta biya-y-ndə.</i>	نشسته بوده‌اند.	<i>nəšta biya.</i>	نشسته بوده.

وند نفی *ni-* برای منفی کردن بعد از *biya* ظاهر می‌شود:

جمع کرده بوده‌اند، آنها رسیده‌اند (بعد جمع کردن رسیده‌اند). *pe-čiya-šan biya, avə â-rasəsay-ən.*

### ۴-۱۳ ماضی نقلی غیرمحقق

ماضی نقلی غیرمحقق از صفت مفعولی با نمودنمای *bay* و شناسه ماضی ساخته می‌شود. قسمت شرط این ساخت همیشه ماضی نقلی غیرمحقق و قسمت جواب شرط یا ماضی استمراری یا ماضی بعید است و از دو بخش یکی همیشه منفی است. طرز ساخت آن همانند ماضی نقلی است و فقط وند *bay* در این ساخت ظاهر می‌شود.

خواهیده بوده‌ایم، خسته نمی‌شدیم (پس نخواهیده‌ایم). *xəta bay-mân, xasta nə-b-i-mân.*

قرص نخورده بوده‌ای، الان می‌مردی (پس قرص خورده‌ای). *hab-ər harda na-bay, alân marda bi-š.*

وند نفی *n(a)-* در فعل منفی قبل از نمودنمای *bay* قرار می‌گیرد و قسمت بعدی (جواب شرط) مطابق ساخت آن جمله (ماضی استمراری یا بعید) منفی می‌شود:

اگر ندیده بوده‌اید که عرق نمی‌کردید (دویده‌اید که عرق می‌کنید). *vərita na bay-rân, araq nə-kar-i-rân.*

اگر ندیده بوده‌اند که بر نمی‌گشتند (دیده‌اند که برگشته‌اند). *vinda šân nâ-bay, â-nə gard-i-n.*

صرف ماضی نقلی غیرمحقق فعل *nəšt-en* «نشستن» چنین می‌شود:

<i>nəšta bay-mân.</i>	اگر نشسته بوده‌ایم.	<i>nəšta bay-m.</i>	اگر نشسته بوده‌ام.
<i>nəšta bay-rân.</i>	اگر نشسته بوده‌اید.	<i>nəšta bay-š.</i>	اگر نشسته بوده‌ای.
<i>nəšta bay-ındə.</i>	اگر نشسته بوده‌اند.	<i>nəšta bay.</i>	اگر نشسته بوده است.

### ۱۳-۵ ماضی نقلی بعید غیرمحقق

این ساخت برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته دور حتماً انجام نشده است و گوینده با آن ابهام یا تصور مخاطب را در مورد انجام گرفتن آن کار از بین می‌برد. هدف این ساخت (مانند نقلی غیرمحقق) اطمینان از انجام نشدن فعل است. این ساخت از صفت مفعولی فعل اصلی و صرف ماضی نقلی غیرمحقق فعل «بودن» ساخته می‌شود و نشانه‌اش هم *biya* است:

<i>nəšta biya bay-mân.</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌ایم.	<i>nəšta biya bay-m.</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌ام.
<i>nəšta biya bay-rân.</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌اید.	<i>nəšta biya bay-š.</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌ای.
<i>nəšta biya bay-ndə.</i>	(اگر) می‌نشسته بوده‌اند.	<i>nəšta biya bay.</i>	(اگر) می‌نشسته بوده است.

طرز منفی کردن این ساخت مانند نقلی غیرمحقق است، یعنی *وند* -*n(a)* قبل از *bay* می‌آید.

### ۱۳-۶ ماضی تمنایی

ماضی تمنایی بیشتر برای بیان آرزو، دعا، شک، تمنا، نفرین، و شرط به کار می‌رود. گاهی بین دو ساخت ماضی تمنایی و ماضی التزامی در معنا فرقی وجود ندارد و به جای هم به کار می‌روند. این ساخت از صفت مفعولی و صرف مضارع تمنایی فعل بودن ساخته می‌شود. وجود *وند* -*b(v)* بعد از صفت مفعولی در این ساخت اختیاری است:

<i>nəšta (bə)bâmân.</i>	شاید نشسته باشیم.	<i>nəšta (bə)bâm.</i>	شاید نشسته باشم.
<i>nəšta (bə)bârân.</i>	شاید نشسته باشید.	<i>nəšta (bə)bâš.</i>	شاید نشسته باشی.
<i>nəšta (bə)bând.</i>	شاید نشسته باشند.	<i>nəšta (bə)bâ.</i>	شاید نشسته باشد.

فعل متعدی این ساخت از سوم شخص مفرد مضارع تمنایی «بودن» با ضمائر متصل غیرفاعلی (شخصی) و صفت مفعولی ساخته می‌شود. وجود *وند* -*bə* اختیاری است و در معنا تفاوتی ایجاد نمی‌کند. *وند* نفی -*ma* در شکل منفی قبل از فعل کمکی ظاهر می‌شود:

<i>ilâhi vinda-š ma-bâ.</i>	خدا کند ندیده باشد.
<i>pe-gata-r ma-bâ.</i>	تو برنداشته باشی.
<i>xədə bəkarə šiya mâ-bâ.</i>	خدا کند نرفته باشد.

### ۷-۱۳ ماضی التزامی

ماضی التزامی در تاتی از صفت مفعولی و وند تصریفی -b(v) همراه صرف مضارع التزامی فعل «بودن» ساخته می‌شود. وند تصریفی -b(v) در این ساخت اختیاری است:

nəšta (bə)bam.	نشسته باشیم.	nəšta (bə)bum.	نشسته باشم.
nəšta (bə)ba.	نشسته باشید.	nəšta (bə)bi.	نشسته باشی.
nəšta (bə)bund.	نشسته باشند.	nəšta (bə)bu.	نشسته باشد.

در متعدی این ساخت، بعد از صفت مفعولی، ضمائر متصل غیرفاعلی به جای شناسه ظاهر می‌شود و وند نفی این ساخت -n(v) است که به جای وند -b(v) قبل از فعل کمکی ظاهر می‌شود:

ča ku da-pars šayad vinda-š bə-bu.	از او بپرس شاید دیده باشد.
balkam dəvlāngi zanda nə-bu.	شاید دو قلو نزاییده باشد.

### ۸-۱۳ ماضی بعید

ماضی بعید از صفت مفعولی به علاوه صرف ماضی ساده «بودن» ساخته می‌شود. تفاوت بارز ماضی بعید لازم با متعدی در این است که در فعلهای متعدی سوم شخص مفرد فعل معین «بودن» برای همه اشخاص یکسان به کار می‌رود:

harda-mân bə.	خورده بودیم.	harda-m bə.	خورده بودم.
harda-rân bə.	خورده بودید.	harda-r bə.	خورده بودی.
harda-šan bə.	خورده بودند.	harda-š bə.	خورده بود.

فعل «بودن»، که در این ساخت فعل کمکی است، در سوم شخص مفرد لازم به صورت b (بود) ظاهر می‌شود، یعنی -ə از آخرش می‌افتد و تلفظ نمی‌شود: nəšta-b. (نشسته بود). وند نفی -n(v) در شکل لازم و متعدی این ساخت قبل از فعل کمکی ظاهر می‌شود:

yâ da tâ raz vərīta b.	از اینجا تا باغ دویده بود.
čama kâvi tâ həsâ zanda nə-b.	این گوسفند ماده ما تا حال نزاییده بود.

### ۹-۱۳ ماضی بعید تمنایی

ساخت ماضی بعید تمنایی آرزو، حسرت، تمنا، و شرط را در گذشته می‌رساند و تفاوتش با بقیه در ساخت و در معنی است. تفاوت در معنی این است که فعلی قبل از فعلی دیگر در گذشته دور انجام شده است اما با تمنای چیزی؛ مثلاً، انجام دادن یا ندادن آن کار. صحبت درباره گذشته است و ربطی به حال ندارد و اثرش باقی نمانده است. این ساخت از صفت مفعولی و وند *biya* به اضافه ماضی ساده سوم شخص مفرد «بودن» به همراه شناسه تمنایی ساخته می‌شود:

اگر نشسته (بوده) باشم. <i>nəšta biya b-âm</i>	اگر نشسته (بوده) باشیم. <i>nəšta biya b-âmân</i>
اگر نشسته (بوده) باشی. <i>nəšta biya b-âš</i>	اگر نشسته (بوده) باشید. <i>nəšta biya b-ârân</i>
اگر نشسته (بوده) باشد. <i>nəšta biya b-â</i>	اگر نشسته (بوده) باشند. <i>nəšta biya b-ânda</i>

در افعال متعدی این ساخت ضمائر شخصی، به جای شناسه‌ها، بعد از صفت مفعولی ظاهر می‌شود، وند نفی *n(ν)* در این ساخت قبل از فعل کمکی می‌آید:

اگر جو خورده (بوده) باشد، نمی‌میرد. <i>yav harda-š biya bâ, nə-merə.</i>
اگر دزدی نکرده (بوده) باشد، او را نمی‌گیرند. <i>dəzi-š karda- biya nə-bâ, avə nə-girən.</i>

### ۱۰-۱۳ ماضی استمراری

ماضی استمراری از ماده مضارع<sup>۲</sup> به اضافه وند استمراری *-i* و شناسه ماضی ساخته می‌شود. صرف ماضی استمراری فعل *nəšt-en* «نشستن» چنین می‌شود:

می‌نشستم. <i>nəš-i-m.</i>	می‌نشستیم. <i>nânəš-i-mân.</i>
می‌نشستی. <i>nəš-i-š.</i>	می‌نشستید. <i>nəš-i-rân.</i>
می‌نشست. <i>nəš-i.</i>	می‌نشستند. <i>nəš-i-nda.</i>

در این ساخت ارکتیو وجود ندارد و وند نفی *n(ə)* هنگام منفی کردن قبل از ماده مضارع اضافه می‌شود:

هر روز می‌آمد آغل دامها را نگاه می‌کرد، می‌رفت خانه. <i>har ruz ây andizə diyas-i, ši ka.</i>
خودش نمی‌خورد، و نمی‌گذاشت کسی بخورد. <i>əştan nar-i (* &lt;nə-har-i), narzi kasi bari.</i>

۱. ذکر «بوده» در معنی این ساخت صرفاً به این منظور است که معنای لفظ به لفظ عبارات به دست داده شود.

۲. در ایرانی باستان نیز ماضی استمراری با پیوستن ماده مضارع به شناسه ماضی ساخته می‌شد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

## ۱۱-۱۳ ماضی استمراری تمنایی

این فعل بر مفاهیمی چون شرط، آرزو، تأکید، حسرت و مانند آنها در گذشته دلالت می‌کند و برای بیان عملی به کار می‌رود که در گذشته (به استمرار) می‌توانسته انجام شود و انجام نشود، یا نباید انجام می‌شد، ولی انجام شده است. یک طرف آن همیشه ماضی استمراری است. در این ساخت ارگتیو وجود ندارد. ساخت این فعل از وند تصریفی -b(v) و صرف ماضی استمراری به دست می‌آید:

bə-nəš-imân.	اگر می‌نشستیم.	bə-nəš-im.	اگر می‌نشستم.
bə-nəš-irân.	اگر می‌نشستید.	bə-nəš-iš.	اگر می‌نشستی.
bə-nəš-ində.	اگر می‌نشستند.	bə-nəš-i.	اگر می‌نشست.

طرز منفی کردن ماضی استمراری تمنایی یکی از راههای شناخت و تمایز آن از ماضی استمراری است، یعنی وند نفی این ساخت -m(v) است که قبل از ماده فعل می‌آید، ولی وند نفی دیگری -n(v) است.

ma-nəš-i-mân, e-gən-i-âm.n.	اگر نمی‌نشستیم، می‌افتادیم.
tə ma-vin-i, nə-vram-i.	ترا نمی‌دید، گریه نمی‌کرد.

در فعل پیشوندی ماضی استمراری تمنایی از آنجا که به جای وند تصریفی -b(v) از پیشوند فعلی استفاده می‌شود، شکل ظاهری‌اش با ماضی استمراری پیشوندی یکی می‌شود و فقط جایگاه تکیه آنها متفاوت خواهد بود. جای تکیه ماضی استمراری بر ماده است، اما جای تکیه ماضی استمراری تمنایی بر پیشوند است. با این حال، شکل منفی این دو ساخت به علت دو وند نفی جداگانه از هم متمایز است:

ماضی استمراری تمنایی		ماضی استمراری	
pe'-gir-i-m.	اگر برمی‌داشتم.	pe-gir'-i-m.	برمی‌داشتم.
â-ma-kar-i-m.	اگر باز نمی‌کردم.	â-nə-kar-i-m.	باز نمی‌کردم.

## ۱۲-۱۳ ماضی مستمر

ماضی مستمر در تاتی از نمودنمای kərâ و صرف ماضی استمراری ساخته می‌شود. صرف ماضی مستمر فعل nəšt-en «نشستن» چنین است:

kərâ nəš-imân.	داشتم می‌نشستیم.	kərâ nəš-im.	داشتم می‌نشستم.
kərâ nəš-irân.	داشتید می‌نشستید.	kərâ nəš-iš.	داشتی می‌نشستی.
kərâ nəš-ində.	داشتند می‌نشستند.	kərâ nəš-i.	داشت می‌نشست.

در این ساخت تفاوتی بین فعل لازم و متعدی نیست. طرز منفی کردن<sup>۱</sup> آن به این شرح است که وند نفی را قبل از مادهٔ مضارع فعل می‌افزایند. به عبارتی دیگر، همانند ماضی استمراری منفی می‌شود:

kəṛâ-nə-šimân, šəmayrân šam. داشتیم نمی‌رفتیم، شما [که] هستید، می‌رویم.  
kəṛâ nə-pej-i, tə-š bind, bə-pat-əš. داشت نمی‌پخت، تو را دید پخت.

### ۱۳-۱۳ مضارع اخباری

این ساخت در تاتی علاوه بر بیان حال برای بیان آینده هم به کار می‌رود. مضارع اخباری در تاتی از مادهٔ مضارع به علاوهٔ شناسه‌های مضارع به دست می‌آید. صرف مضارع اخباری فعل nəšt-en «نشستن» چنین است:

nəš-a-m.	می‌نشینیم.	nəš-əm.	می‌نشینم.
nəš-a.	می‌نشینید.	nəš-i.	می‌نشینی.
nəš-ənd.	می‌نشینند.	nəš-ə.	می‌نشیند.

فعل لازم و متعدی در مضارع تفاوتی با هم ندارند. وند نفی -(ə)n برای منفی کردن این ساخت قبل از مادهٔ مضارع می‌آید و بین فعل ساده، پیشوندی، و ترکیبی فرقی از این نظر وجود ندارد. برای بیان خواب در تاتی گاهی از این ساخت استفاده می‌شود:

yâ vav darmaji-râ ka bar-ənd. اینجا عروس را دم غروب به خانه می‌برند.  
seb hayzə, xalâv da-kar-ə, šu zami. صبح بلند می‌شود، لباس می‌پوشد، می‌رود مزرعه.  
ama sabâ nə-šam ku' pešarâ šam. ما فردا نمی‌رویم کوه، پس فردا می‌رویم.  
čə vin-əm, vin-əm raz-i ku da-šum. چه می‌بینم [در خواب]، می‌بینم وارد باغی می‌شوم.

امروز گاهی دیده می‌شود که برای بیان مضارع اخباری از فعل مضارع مستمر استفاده می‌کنند.

۱. در زبان فارسی منفی ماضی مستمر رواج ندارد و به جای آن منفی ماضی استمراری به کار می‌رود. مثلاً، داشتم نمی‌خوردم رایج نیست و به جای آن نمی‌خوردم به کار گرفته می‌شود و برای نفی مضارع مستمر نیز از مضارع اخباری استفاده می‌شود.

## ۱۳-۱۴ مضارع تمنایی

این ساخت بیشتر برای بیان آرزو، دعا، شک، تمنا، نفرین، و شرط به کار می‌رود، برای بیان آینده هم، گاه، از این ساخت استفاده می‌شود. گاهی بین دو ساخت مضارع تمنایی و مضارع التزامی در معنا فرقی وجود ندارد و به جای هم به کار می‌روند. مضارع تمنایی در تاتی از وند وجه (v) و ماده مضارع به همراه شناسه‌های تمنایی ساخته می‌شود:

bə-nəš-â-mân.	بنشینیم.	bə-nəš-â-m.	بنشینیم.
bə-nəš-â-rân.	بنشینید.	bə-nəš-â-š.	بنشینید.
bə-nəš-ân(də).	بنشینند.	bə-nəš-â.	بنشینند.

وند نفی m(a)- برای منفی کردن به جای وند وجه ظاهر می‌شود. بین شکل منفی مضارع التزامی و منفی مضارع اخباری تمایزی نیست و بدان سبب استفاده از تکیه در آنجا ضروری به نظر می‌رسد، اما در مضارع تمنایی چنین مشکلی نیست، زیرا شکل ویژه نفی این فعل نشانه تمایز آن از بقیه است:

əštə-vəniya xəlân ku bə-čər-â.	[غذایت] از حفره‌های دماغت بیرون بریزاد.
əštə das xəne rangə ma-vin-â.	دستت رنگ حنا نبیناد.
ča arusi râ bar-â-mân.	[آن شاء الله] در عروسیش بخوریم.

شکل منفی مضارع تمنایی برای نوعی نهی تأکیدی به کار می‌رود، یعنی علاوه بر ایراد معنای تمنا، معنای نهی تأکیدی را نیز می‌رساند<sup>۱</sup> (رک. وند تأکیدی، بخش ۷-۳). **ma-gir-â-š!** (نگیری‌ها!)، **ma-xruš-â-š!** (نفروشی‌ها!). از این ساخت گاه برای بیان آینده استفاده می‌شود، بدین صورت که عمل نه در حال بلکه در آینده انجام خواهد گرفت:

saba bəš-âš ča var, hiči ma-vâj.	فردا رفتی پیش او، چیزی نگو.
badan binâ-mân(<*bə-vin-â- mân), vâj-am.	اگر بعداً دیدیم، می‌گوییم.

۱. دیگر زبانها و گویشهای ایرانی نیز در این نکته سهیم‌اند؛ مثلاً، در زبان فارسی «نگیری» شکل منفی مضارع التزامی و نیز نهی تأکیدی است. در تالشی مرکزی رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۸۶. «ma-xəs-â-š» (نخواستی) که شکل منفی مضارع تمنایی است برای نهی تأکیدی نیز به کار می‌رود.

### ۱۳-۱۵ مضارع التزامی

مضارع التزامی در تاتی از وند تصریفی -b(v) و ماده مضارع همراه شناسه‌های اولیه ساخته می‌شود. صرف مضارع التزامی فعل nəšt-en «نشستن» چنین است:

bə-nəš-am.	شاید بنشینیم.	bə-nəš-ə-m.	شاید بنشینم.
bə-nəš-a.	شاید بنشینید.	bə-nəš-i.	شاید بنشینم.
bə-nəš-ən(də).	شاید بنشینند.	bə-nəš-ə.	شاید بنشیند.

در فعلهای پیشوندی مضارع التزامی به جای پیشوندِ وجه از پیشوندِ فعلی استفاده می‌شود و تفاوت فعل پیشوندی مضارع اخباری با فعل پیشوندی مضارع التزامی در جای تکیه این دو است: در مضارع التزامی تکیه بر پیشوند فعلی و در مضارع اخباری تکیه بر ماده مضارع است:

مضارع اخباری	فعل	مضارع التزامی	فعل
e-š'-um.	می‌روم پایین.	e'-š'-um.	شاید بروم پایین.
ji-kar'-am.	پهن می‌کنم.	ji'-kar-am.	شاید پهن کنم.

همچنین، تکیه در منفی افعال ساده این ساخت بر وند نفی و در مضارع اخباری منفی بر شناسه است: nə'-vin-a. (شاید نبینید)، nə'-vin-a' (نمی‌بینید).

### ۱۳-۱۶ مضارع مستمر

فعل مضارع مستمر در این گویش از وند kərâ- و صرف مضارع اخباری به دست می‌آید. صرف مصدر nəšt-en (نشستن) چنین است:

kərâ nəš-am.	داریم می‌نشینیم.	kərâ nəš-əm	دارم می‌نشینم.
kərâ nəš-a.	دارید می‌نشینید.	kərâ nəš-əi	داری می‌نشینم.
kərâ nəš-əndə.	دارند می‌نشینند.	kərâ nəš-ə	دارد می‌نشیند.

جزء غیرفعلی و پیشوند در فعلهای ترکیبی و پیشوندی بعد از نمودنما قرار می‌گیرند و وند نفی-(v)n قبل از ماده مضارع قرار می‌گیرد. وقتی پیشوند فعلی -bar باشد، وند نفی وسط آن می‌نشیند:

kərâ guray da-nə-kar-əm.	دارم جوراب پشمی نمی‌پوشم.
kərâ berun ba-nə-r kar-ənd.	دارند بیرون نمی‌ریزند.

## ۱۴ فعل امر

فعل امر در تاتی از پیشوند تصریفی  $b(v)$  یا پیشوند اشتقاقی و ماده مضارع به دست می‌آید. فعل امر دو صیغه دارد: مفرد — که بدون شناسه است — و جمع — که شناسه اش  $-a$  است. به امر جمع فعلهایی که ماده مضارعشان مختوم به مصوت باشد یک واج میانجی هنگام پیوستن به شناسه جمع اضافه می‌شود. از امر مفرد بعضی از فعلهایی که ماده مضارع آنها مختوم به  $-r$  است همخوان  $-r$  حذف می‌شود، و در صیغه جمع این فعلها همخوان  $-r$  برمی‌گردد:

معنی	مصدر	ماده مضارع	مفرد	جمع
افکندن	avand-en	avan	b-avan	b-avan-a
نهادن	nâ-n	na	bə-na	bə-na-[y]a
کردن	kard-en	kar	bə-ka	bə-kara

در فعل پیشوندی، به جای  $b(v)$ ، پیشوند اشتقاقی می‌آید. همخوان  $-n$  در آخر بعضی از فعلهای امر می‌آید، اما در ماده مضارع آنها این همخوان وجود ندارد و محتملاً به قیاس با  $-n$  ماده مضارع‌ساز ایجاد شده است:<sup>۱</sup>

معنی	مصدر	ماده مضارع	فعل امر
مخفی شدن	ji-xət-en	ji-xəs	ji-xəs
بیرون آوردن	bar-vârd-en	bar-vâr	bar-vâ
رفتن	š[y]en	š	bə-š/bə-š-ən
گفتن	vât-en	vâj	bâj-ən (* <bə-vâj-ən)

## ۱۵ فعل معین بودن و شدن

تنها فعل معین تاتی  $bi-en$  («بودن») است، این مصدر، علاوه بر شکل پی‌بستی و ربطی، در نقش فعل معین در صرف فعلهای ماضی تمنایی، ماضی التزامی، ماضی بعید، نقلی بعید غیرمحقق،

۱. هنینگ هنگام بررسی ماده‌های مضارع، ماضی، و التزامی هرنزی به موردی اشاره کرده است که  $-n$  در پایان برخی ماده‌های مضارع اضافه می‌شود، مانند: «شدن»  $šənd$  و «کردن»  $kənd$  و اصلشان را نامعلوم دانسته است (۱۳۸۵: ۳۳۲) یارشاطر (۱۹۵۹: ۵۹) در این مورد نوشته ظاهراً وقتی وند تصریفی و ماده فعل با هم یک هجا تشکیل دهند،  $-en$  به آخر فعل امر مفرد اضافه می‌شود:  $bājen$  «بگو»،  $bešen$  «برو». این دقیق نمی‌نماید و وجود فعلهای امر پیشوندی چون  $pe-rānj-ən$  «بکش بالا»،  $pe-gir-ən$  «بردار»، و  $bar-kar-ən$  «بیرون کن» این را رد می‌کند.

ماضی بعید تمنایی، و فعلهای غیرشخصی هم به کار می‌رود. روش ساخت فعل bi-en همانند دیگر فعلهاست و در ساختههای مختلف صرف می‌شود و فقط در ماضی ساده وند وجه -b(v) در اول این ساخت نمی‌آید. شکل مضارع این فعل es (هست) تنها فعلی است که در تاتی فقط در ساخت مضارع اخباری صرف می‌شود<sup>۱</sup>، شکل صرف‌شده ماضی و مضارع این فعل چنین است:

امر مفرد و جمع	مضارع التزامی	ماضی ساده	مضارع اخباری			بودن
			پی‌بستی	منفی	مثبت	
—	bə-bum	bim	-im	nim	esim	اول شخص مفرد
bə-b/ bə-baš	bə-bi	biš	-iš	niš	esiš	دوم شخص مفرد
—	bə-bu	b-/ bə	-∅	ni	es	سوم شخص مفرد
—	bə-bam	bimân	-imân	nimân	esimân	اول شخص جمع
bə-ba	bə-ba	birân	-irân	nirân	esirân	دوم شخص جمع
—	bə-bundə	bində	-ində	nində	esində	سوم شخص جمع

## ۱۶ فعلهای شبه معین

فعلهای شبه معین تاتی عبارت‌اند از: šâs-en (توانستن)، bi/basi/biri (بایستن)، pirâsen و xâssen (خواستن)، nə-karə/ma-karə/bə-karə (نکند/ بکند (مبادا، بادا))، pe-gat-en (برداشتن، شروع کردن)، bu (امکان داشتن). هر یک از آنها در این جمله‌ها آمده است:

- az **nə-šâm** bəšum raz. من نمی‌توانم بروم باغ.  
 tə **nə-bi** taynayi ku da bə-nderi. تو نباید تنهایی در کوه بمانی.  
 tə **nə-xây** yâ bə-nəši. نمی‌خواهم تو اینجا بنشینی.  
**ma-karə** bayzə bâ ka. نکند بلند شود بیاید خانه.  
 tâ ârasəs tanga sar **pe-gat-əš** dəšmân. تا رسید سر کوچه شروع کرد به فحش دادن.  
**bu** čama gâv dəvlângi bə-zâ. می‌شود گاو ما دوقلو بزاید.  
**pir-əm** əzen avə bəzanəm bəmerə. می‌خواهم چنان او را بزیم، بمیرد.

۱. در تاتی ساختهایی از این فعل در ماضی ساده به کار می‌رود، مانند es bim (بودم)، es biš (بودی) و جز آن، اما به دلیل اینکه فعل bien در اینجا صرف می‌شود، باید es را در این جملات نه فعل مستقل بلکه صفتی اسنادی به حساب آورد.

## منابع

- آرادگلی، ماری، ۱۳۴۹. «بررسی واج‌شناسی گویش تاتی دهکده کجل (خلخال) بر اساس روشهای نوین زبان‌شناسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران.
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی، ۱۳۸۲. *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن*. انتشارات معین، تهران.
- ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۳. *ماده‌های فعلهای فارسی دری*. انتشارات ققنوس، تهران.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۳. *دستور تاریخی زبان فارسی*. انتشارات سمت، تهران.
- اشمیت، رودیگر، ۱۳۸۳. *راهنمای زبانهای ایرانی (۲ ج)*. ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، ققنوس، تهران.
- اصغری، احمد، ۱۳۸۵. «فعل در گویش تاتی کلاسور (kalāsūr)»، *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، س ۴۹، ش مسلسل ۱۹۸، بهار، ص ۲۵-۱.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم، ۱۳۸۶. *زبان تالشی*. انتشارات فرهنگ ایلیا، رشت.
- رضایتی کیشه‌خاله، محرم و جهان دوست سبزیلیپور، ۱۳۸۷ الف. «ساخت ارگتیو در گویش تاتی خلخال»، *فصلنامه ادب‌پژوهی*، س ۱، ش ۱، ص ۱۰۵-۸۹.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۷ ب. «بررسی ریشه و ماده افعال در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی»، *فصلنامه ادب‌پژوهی*، س ۲، ش ۶، ص ۱۱۱-۱۳۲.
- رضایی باغبیدی، حسن، ۱۳۸۳. «گویش ویدری»، *مجله گویش‌شناسی*، ج ۱، ش ۳، ص ۳۸-۲۰.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۵. *راهنمای زبان پارتی (پهلوی اشکانی)*. ققنوس، تهران.
- سبزیلیپور، جهان‌دوست، ۱۳۸۸. «بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویشهای تاتی، تالشی و گیلکی»، *رساله دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گیلان*.
- صفرزاده، حبیب، ۱۳۸۲. *گویش تاتی شمال خراسان*. سخن‌گستر، مشهد.
- معراجی لرد، جواد، ۱۳۸۷. *فرهنگ موضوعی تاتی به فارسی*. بلور، رشت.
- هنینگ، و. ب.، ۱۳۸۵. «زبان کهن آذربایجان»، *ترجمه بهمین سرکراتی، مجله نامه فرهنگستان*، س ۱، ش ۱، ص ۳۴۰-۳۱۵.
- یحیی‌زاده، سیداکبر، ۱۳۸۲. «بررسی زبان‌شناختی گویش تاتی شاهرود خلخال»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شیراز*.

Yarshater, A., 1959. "The Dialect of Shahrood (Khalkhal)", *BSOAS*, 22, 52-68.

\_\_\_\_\_, 1960. "The Tati Dialect of Kajal", *BSOAS*, 23: 275-286.

\_\_\_\_\_, 1969. *A Grammar of Southern Tati Dialects*. The Hague, Paris.